

بم در سینمای ایران و جهان

(کهن شهری اساطیری در قاب هنر هفتم)



وحید معماری



سرشناسه	معماری، وحید، ۱۳۶۲
عنوان و نام پدیدآور	بم در سینمای ایران و جهان، کهن شهری اساطیری در قاب هنر هفتم/ نویسنده وحید معماری
مشخصات نشر	تهران، آرون، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	۳۴۸ ص.
شابک	۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۱۶۳ - ۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیپا
موضوع	شهرها و شهرستان‌ها در سینما - بم (ایران)
موضوع	Cities and towns in motion pictures - Bam (Iran)
موضوع	زلزله بم، ۱۳۸۲ - بم در سینما
موضوع	Bam earthquake, 2003 - Bam In motion picture
رده‌بندی کنگره	PN ۱۹۹۵/۹
رده‌بندی دیویی	۷۹۱ / ۴۳۶۲۱۷۳۲
شماره کتابخانه ملی	۹۳۹۹۴۰۷



بم در سینمای ایران و جهان

(کهن شهری اساطیری در قاب هنر هفتم)

نویسنده: وحید معماری

ناشر: انتشارات آرون

طراح جلد: ایمان خاکسار

چاپ اول: ۱۴۰۲

چاپ صدف: ۵۰ نسخه

۳۵۰/۱۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

۹۷۸ - ۶۲۲ - ۳۱۷ - ۱۶۳ - ۵

به نام خدا

فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۵	سکانس اول / شهر قصه
۱۹	سر آغاز
۲۰	«آقایان برن کنار» خالق شهر قصه وارد می شود
۲۳	نوار کاست شهر قصه / «شوما بودین؟ نه ایشون؟»
۲۴	ویژگی های منحصر به فرد شهر قصه / «حالیته!»
۲۷	لایه های گسترده و مفاهیم عمیق / «عجبا! خیر تا!»
۳۱	شخصیت های شهر قصه / «آخه من خیلی خرم»
۳۷	تسلط بیژن مفید بر ریتم و موسیقی ایرانی
۳۸	سر آغاز شهر قصه (نمایشنامه رادیویی)
۴۰	پیشنهاد ساخت فیلم در ارگ بم
۴۱	روایت منوچهر انور / «آره، داشتیم چی می گفتیم؟ بنویس»
۴۳	شهر بم، شهر قصه

- سکانس دوم / صحرای تاتارها ۴۸
- انتظاری معنا بخش به زندگی ۴۸
- فرسایش پایان‌ناپذیر روزها ۵۵
- و انتظار برای انتظاری دیگر ۵۸
- چشم جهانیان دیگر ارگ بم را چنین نخواهد دید ۶۱
- اقتباسی تصویری از شاهکاری ادبی / ویژگی رمان ۶۵
- اگزیستانسیال تصویری / فلسفه زندگی ۶۷
- درباره نویسنده (دینو بوتزاتی) ۶۹
- ایده رمان بیابان تاتارها ۷۰
- نکات مهم فیلم صحرای تاتارها ۷۱
- سکانس سوم / خاک سرد ۷۵
- خاک سرد یا فیلم سرد ۷۵
- شوگ مواجهه با ویرانی زلزله ۸۵
- تداوم صدای تیشه در دل کویر ۸۹
- سکانس چهارم / مینای شهر خاموش ۹۱
- تضاد نسل‌ها با پیرنگ عشق ۹۱
- شهری که میناهایش از عشق می‌سرایند، اگرچه خاموش ۹۷
- روزی روزگاری بم، از نگاه خالق اثر (امیر شهاب رضویان) ۱۰۱
- شمعدونی ۱۰۳
- آقای بازگر در بم ۱۰۳
- رنگ خاطره‌ها / نکاتی پیرامون فیلم ۱۰۷
- سکانس پنجم / ایران سرای من است ۱۱۱
- فیلمسازی آوانگارد به نام پرویز کیمیای ۱۱۲
- سیالیت زمان و مکان ۱۱۴
- پیرنگ داستانی غیرخطی و ساختارشکنی ذهنی ۱۱۶
- بم سرای من است ۱۲۰

- سکانس ششم / بابا عزیز ۱۲۴
- خیالِ عشق پیمودن گرفته ۱۲۵
- مکاشفه در برهوت کویر به قصد کعبه‌ی دراویش ۱۳۰
- نواهای مرثیه‌ی هبوط آدمی ۱۳۱
- ارگ بم، معبد عارفان و کانون سالکان طریقت ۱۳۴
- باباعزیز اثری شاخص و معناگرا ۱۳۷
- سکانس هفتم / بیدار شو آرزو ۱۴۰
- شخصیت‌ها ۱۴۱
- تصاویری شوکه کننده از غم، استیصال و مرگ ۱۴۴
- شب، سایه مرگ در توهّم آمیخته با ترس ۱۵۴
- من، خودم، خویشتنم ۱۵۵
- پایان شب سیه سبید است ۱۵۸
- بیدار شو آرزو به روایت کمانوش عیاری / فیلمی در ستایش زندگی ۱۶۲
- روایت بهناز جعفری از بازی در بیدار شو آرزو ۱۷۴
- روایت بازیگر نقش حبیب از بازی در بیدار شو آرزو ۱۸۲
- سکانس شبگردی / سکانسی بی نظیر و تکرار ناشدنی ۱۸۶
- سکانس هشتم / دختر لر ۱۹۲
- دیالوگ‌هایی که نخستین بار در تاریخ سینمای ایران به گوش رسید ۱۹۵
- عشق مخاطره آمیزه دو دل‌داده / داستان فیلم ۱۹۷
- میای با من بریم از بم به بمبئی ۱۹۸
- اردشیرخان ایرانی و کمپانی امپریال فیلم ۲۰۲
- عبدالاحسین سپنتا ۲۰۵
- فیلمنامه و انتخاب بازیگر زن، دو معضل اصلی ۲۰۸
- رویای ستاره شدن اولین بازیگر زن تاریخ سینمای ایران ۲۱۰
- افول ستاره در اوج ۲۱۷
- بازگشت از بمبئی به بم / سرآغاز دوران گمنامی و فراموشی ۲۲۰
- نکات برجسته فیلم دختر لر ۲۳۱

۲۳۸		سکانس نهم / رستاخیز
۲۴۲		فیلمی تابو شکن، در حسرت اکران
۲۴۵		حوادث عجیب و ناگوار در ساخت فیلم رستاخیز
۲۵۱		چه شد «بم» لوکیشن فیلم شد
۲۵۵		سکانس دهم / شیار ۱۴۳
۲۵۵		روایت مادران چشم انتظار
۲۵۸		سکانس نفس گیر و تکان دهنده
۲۶۰		در ستایش لالایی
۲۶۴		لالایی از حنجره خسته و داغیده مادری بمی
۲۶۶		پروین غلامشاهی
۲۷۶		سکانس یازدهم / باد صبا
۲۷۶		شیفتگی خالقان اثر به ایران
۲۷۸		ایده اولیه
۲۸۰		نوستالژی تصویری ایرانیان
۲۸۱		روایتگری و گفتار بی نظیر باد صبا (نریشن)
۲۸۵		بم در باد صبا
۲۸۸		مرگ خالق «باد صبا»
۲۹۲		سکانس دوازدهم / مشق بم
۲۹۳		خدایا من از تو می خواهم که ارگ بم را درست کنی
۲۹۵		سکانس سیزدهم / بم، شهری بی دفاع
۲۹۷		تهدیدی جدی که هر بار غافل گیرمان می کند
۲۹۹		سکانس چهاردهم / آتش سبز
۳۰۲		قصه ناردانه
۳۰۶		«آتش سبز عزادارای برای بم، در عین حال شادی برای ملت ایران است»
۳۰۹		داستانی از دل افسانه های کهن / آمیزش تاریخ با اساطیر

دیباچه

در تاریخ سینما، مکان ساخت آثار سینمایی یا لوکیشن فیلم‌ها، بیانگر روح حاکم بر اثر بوده و از منظری هویت فیلم را شکل می‌بخشد. حال بایستی برسید این مکان‌ها چه ویژگی‌هایی دارند که در ذهن سازندگان آثار سینمایی رسوخ کرده و آن‌ها را سوی خود فرا می‌خوانند؟ در میان شهرهای ایران، «شهر بم» با دارا بودن ویژگی‌هایی شاخص، برخی از فیلمسازان را بر آن داشته که لوکیشنی غیر از آن در ذهن خود متصور نشوند و آن را به‌عنوان تنها مکان ساخت اثرشان در نظر گیرند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این شهر، ارگ تاریخی بم می‌باشد که به‌عنوان یکی از منحصر به فردترین بناهای باستانی جهان، در دامنه صخره‌ای بشکرگ، در دل کویری خشک و سوزان به جای مانده از روزگاران دور، در درازنای تاریخ، خشت به خشت آن به همت مردمانی اصیل و هویت‌مند به‌عنوان عظیم‌ترین بنای خشتی جهان پا به عرصه وجود نهاد و جلوه‌گاهی از فرهنگ و تمدن را در تن خسته کویر شکل بخشید. شهری که مردمانش، همجوار این زیستگاه خشتی با حفر قنات و کاشت نخل و مرکبات، بم را چونان بهشتی جاویدان در دل برهوت کویر بارور ساختند تا مانند نگینی درخشان با نخل‌های سر به فلک کشیده‌اش، جلوه‌ای بی‌همتا به این اقلیم بخشد.

رشد و شکوفایی زیستن در جوار عظیم‌ترین قلعه خشتی جهان در حالی رقم خورد که تا پیش از آن نیز «بم» از جمله کهن‌ترین زیستگاه‌های ایران بود، طبق آخرین یافته‌های باستان‌شناسی در محوطه تاریخی تل آتشین دارستان بم، قدمت تمدن در این اقلیم به حدود ده هزار سال قبل تخمین

زده شده که نشان از رد پای زیست هویتی این منطقه در همزمانی با شکل‌گیری گهواره تمدن جهانیست.

از سویی دیگر «بم» به‌عنوان باغشهری جهانی، در فهرست میراث یونسکو به ثبت رسیده که از دیرباز در مسیر جاده ابریشم و محل تردد کاروان‌ها بوده و به عنوان عاملی در رونق اقتصادی و تبادل فرهنگی در شاهراه اتصال شرق به غرب نقش آفرینی نموده و تا به امروز همچنان به‌عنوان قطب گردشگری و اقتصادی جنوب شرق ایران پابرجاست. حتی با وجود حادثه هولناک و بلای سهمگین زلزله که منجر به ویرانی ارگ و از دست دادن عزیزان بسیاری گردید؛ این شهر توانست چونان ققنوسی از خاکستر ویرانی خود برخاسته و با تلاش امیدور بازماندگان، روح زندگی را در کالبد خسته و زنجور این شهر کهنسال تداوم بخشد.

«بم» به‌عنوان جلوه‌گاه تمدن کویر، بارها نامش در متون اساطیری و روایت‌های تاریخی آمده، حتی نام شهر بم، عجین شده و آمیخته با افسانه و اسطوره است. این شهر کهن از دیرباز تا کنون، حوادث گوناگونی در طول تاریخ پرفرازونشیب خود از سر گذرانیده و داستان‌هایی شنیدنی در دل به یادگار دارد. داستان‌هایی برخاسته از آمیزش تاریخ و اسطوره چون قلعه بهمن، نبرد اردشیر پاپکان با اردوان اشکانی، داستان قلعه هفتواد و کرم افسانه‌ای و پیدایش ابریشم در ایران، تا حوادث تاریخی بیشماری که از دراماتیک‌ترین آنها، رشادت و مظلومیت لطفعلی‌خان آخرین پادشاه زند و اسارت وی در سربازخانه ارگ بم بوده؛ همان واقعه‌ای که مسیر تاریخ ایران زمین را دستخوش تغییر نمود و تا پیش از آنکه نخستین پادشاه قاجار در «تهران» تاج گذاری و این شهر را پایتخت بنامد، «بم» عنوان پایتختی ایران را در روزگاری هرچند اندک، به دوش کشید.

شهری که با آغاز شکل‌گیری سینما در ایران با هنرنمایی نخستین بازیگر زن سینمای ایران و صدای وی با لهجه بمی بر روی نخستین فیلم ناطق سینمای ایران حضور داشته و این حضور را تا به امروز با نوای لالایی مادری داغ‌دیده و رنجور تداوم بخشیده است. در نتیجه بر آن شدیم تا در این کتاب به جایگاه این شهر در قاب دوربین هنر هفتم و از همه مهم‌تر به دلایل اهمیت شهر بم در ساخت آثار شاخص سینمای جهان و ایران بپردازیم. چرا که هر فیلم، داستانی در دل خود دارد و در دل هر داستان «بم» نه تنها لوکیشن و بستر روایی فیلم نیست، بلکه چنان شخصیت‌های فیلم، بدون امکان حضورش، اثر بدین‌گونه شکل نمی‌گرفت. در انتها از عزیزان و یاری‌رسانان این نگارش از جمله زنده یاد سیاوش فرید که مطالب ارزشمندی در خصوص فیلم سینمایی «کاروان‌ها» را بیان کردند و متأسفانه اندکی پس از مصاحبه دار فانی را وداع گفتند، همچنین جمیله ندایی، سید فواد توحیدی، مهدیه توده روستا، حسین فرید، ایمان خاکسار، محسن عبدیلی، حامد صراف‌زاده، ندا معماری، وحید حسینی و علیرضا اکبری قدردان و سپاسگزارم.^۱

۱. ارتباط با نویسنده: vahiidmemari@gmail.com